

گاتها

(سرودهای مینوی زرتشت)

گزارش:
دکتر حسین وحیدی



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۸۱

با رذائت و سستی

با دستهای برافراشته و خواهان شادمانی

به تو نماز می آورم.

باشد که

با همه کردارهای پاک و راست،

که با خرد و اندیشه نیک انجام گیرد،

روان ~~آوردن~~ را خستود سازم؟

آوردن

۲۸/۲

ای اهورامزدا،

با اندیشه نیک به تو روی می آورم،

در پرتو راستی،

مرا از پاداش زندگی مادی و مینویی،

که گروندگان را به خوشبختی می رساند،

برخوردار کن.

۲۸/۳

ای راستی و ای اندیشه نیک،

و ای اهورامزدا،

من برای شما می سرایم،

با سرودی که پیش از این کس نسروده است،

تا توانایی مینویی و پارسایی،

در ما فزونی گیرد.

خواهش ما را بپذیرید،
و به ما شادمانی و خوشبختی بخشید.

۲۸/۴

من روانم را با اندیشه نیک،
به سرای برین جای خواهم داد.
و با آگاهی از پاداشی که
اهورا مزدا برای کارها بر نهاده است،
تا تاب و توان دارم،
به مردمان می آموزم که
در راه راستی بکوشند.

قاجی

۲۸/۵

ای راستی،
کی تو را خواهم دید؟
ای اندیشه نیک،
کی با دانایی تو را درخواهم یافت؟
و کی اهورا مزدا،
کی به تو راه خواهم برد؟
و کی آوای درونی مزدایی را خواهم شنید؟
باشد که

با مهین پیام اندیشه‌انگیز بر زبان،
به گمراهان راه بنمایم.

۲۸/۶

ای راستی و ای اندیشه نیک،
به سوی من آید،
و بخشش دیرزیوی را به من ارزانی دارید.
و تو ای اهورامزدا،
باسخنان راستین خود، → سکتی سکتی کریم
به زرتشت نیروی مینویی و شادمانی،
و به همه ما توانایی ده،
تا بر آزار و ستیز دشمنان خود چیره گردیم.

۲۸/۷

ای راستی،
بخششی را که پاداش اندیشه نیک است،
به ما ارزانی دار.
و تو ای پارسایی،
آرزوهای گشتاسب* و پیروان او را برآورده ساز.
و تو ای مزدا،
به ما توانایی بخش،
تا پیام تو را به همگان برسانیم.

زرتشت
روحانی رکی
بود است.

۲۸/۸

ای اهورا،
ای تو بهترین و بهترین از همه،
و با بهترین راستیها هماهنگ،
به دل از تو می خواهم،
به فر شوستر* دلیر و دیگر یارانم،
اندیشه نیک را برای همیشه ببخشایی.

۲۸/۹

ای اهورامزدا،
ای راستی،
و ای اندیشه نیک،
با بخششی که به من دارید،
هرگز شما را نمی آزارم،
و می کوشم که ستایش خود را
به شما نیاز کنم،
که شما و توانایی مینویی،
سزاوار و درخور ستایشید.

۲۸/۱۰

ای اهورامزدا،

آرزوی کسانی را
 که راست و نیک اندیش و درست‌کردارند،
 و تو آنها را می‌شناسی،
 برآورده ساز.
 من نیک می‌دانم که تو،
 نیایشهایی را که از دل برآید،
 و برای انجامی نیک باشد،
 پاسخ خواهی گفت.

۲۸/۱۱

ای اهورامزدا،
 با آوای خود،
 به خرد و اندیشه من،
 که با این نیایشها،
 راستی و اندیشه نیک را برای همیشه نگاهبانم،
 بیاموز و بازگویی که
 در آغاز،
 هستی و آفرینش چگونه پدیدار گشته است؟

سروده دوم

۲۹/۱

فالتو

روان جهان به شما گله من فلود،
برای ~~مرا آفریند~~؟
که مرا به کالبد هستی در آورد؟
خشم و زور و دست یازی و سنگدلی و گستاخی،
مرا فرا گرفته است.
مرا جز تو پستی و پناهی نیست،
رهاننده نیکی که مرا برهاند،
به من بنمای.

۲۹/۷

این سخن اندیشه‌انگیز خوشبختی افزا،
 از اهورایی است که:
 خواستش با راستی هماهنگ است.
 و اهورامزدا،
 برای آبادی جهان،
 آن را به پارسایان آموخته است.
 ای اندیشه نیک،
 کیست آنکه از تو باشد
 و بر راستی مردمان را یاری بخشد؟

۲۹/۸

من تنها یکی را می‌شناسم که
 به آموزش ما گوش فرا می‌دارد،
 و او
 زرتشت اسپتمان است،
 و تنها اوست که می‌خواهد
 سروده ستایش مزدا و راستی را
 به مردمان برساند.
 پس ما به او،
 شیوایی و دلپذیری سخن می‌بخشیم.

ستایش
 →

۲۹/۹

آنگاه،

روان جهان باز خروشید،
آیا من باید سخنان مرد ناتوانی را
بپذیرم و پشتیبان او باشم؟
مرا براستی آرزوی سردار توانایی بود،
کی چنین کسی،
با دستهای توانای خود،
مرا یاری خواهد کرد؟

۲۹/۱۰

ای اهورا،

از راه راستی و اندیشه نیک،
به وی نیرو و توانایی ارزانی دار،
تا خانمان آباد و رامش پدید آورد.

ای مزدا،

من او را بهترین آفریده تو می شناسم.

اهورا مزدا آفریننده است →

۲۹/۱۱

ای اهورامزدا،

کی راستی و اندیشه نیک و توانایی مینویی

به ما روی خواهد کرد؟
کی انجمن مغان* ،
این آیین تو را خواهد پذیرفت؟
اینک که یآوری برای ما رسیده است،
ما آماده یاری او هستیم.

سروده سوم

۳۰/۱

اینک سخن می دارم،
برای شما ای خواستاران،
و برای شما ای دانایان،
از دو نهاده بزرگ.
و می ستایم،
اهورا و اندیشه نیک را،
و دانش نیک و آیین راستی را،
تا فروغ و روشنایی را دریابید،
و به رسایی و شادمانی برسید.

۳۰/۲

پس،
بهترین گفته‌ها را به گوش بشنوید،
و با اندیشه روشن بنگرید،
و هریک از شما برای خویشتن،
از این دو راه یکی را برگزینید،
و پیش از رویداد بزرگ،
هریک بدرستی آگاه شوید،
و این آیین را بیاموزید و بگسترانید.

۳۰/۳

اینک،
آن دو مینوی همزاد که در آغاز،
در اندیشه و انگار پدیدار شدند،
یکی نیکی را می‌نماید و آن دیگری بدی را،
و از این دو
دانا راستی و درستی را برمی‌گزیند و نه نادان.

۳۰/۴

و آنگاه،
که در آغاز،

آن دو مینو به هم رسیدند،
زندگی و نازندگی را پدید آوردند.
و تا پایان هستی چنین باشد که
بدترین منشها از آن پیروان دروغ،
و بهترین منشها از آن پیروان راستی خواهد بود.

۳۰/۵

از این دو مینو،
پیرو دروغ بدترین کردارها را برمی‌گزینند،
و آنکه پاکترین اندیشه‌ها را دارد،
و آراسته به فروغ پایدار است،
و آنکه با باور استوار و کردار درست،
اهورامزدا را خشنود می‌سازد،
راستی را.

۳۰/۶

از آن دو،
کژاندیشان* راستی را بر نمی‌گزینند.
زیرا هنگامی که دو دلند،
فریب بر آنها فراز آید،
و از این رو،
به بدترین اندیشه‌ها می‌گرایند،

و به سوی خشم می شتابند،
و زندگی مردمان را به تباهی می کشانند.

۳۰/۷

و به آنکه راه نیک برمی گزیند،
توانایی مینویی و اندیشه نیک و راستی فرارسد،
و پارسایی به کالبد او پایداری و استواری بخشد.
و چون او از آن تو بوده است
در آزمون سخت پیروز برمی آید.

۳۰/۸

و هنگامی که،
گناهکاران به گنجه خود رسند،
آنگاه، ای امیرالمؤمنین،
شهریاری تو از راه اندیشه نیک،
بر آنان آشکار خواهد شد،
و آنها خواهند آموخت،
چگونه از دروغ بپرهیزند و به راستی بگویند.

۳۰/۹

ای اهورامزدا،
باشد که
از آن تو باشیم،
و از کسانی باشیم که جهان را تازه می‌گردانند.
باشد:
زمانی که خرد دستخوش سستی و ناستواری
است،
راستی به یاری ما آید،
و اندیشه ما را به هم نزدیک گردانند.

۳۰/۱۰

آنگاه که
شکست و تباهی به دروغ فرود آید،
آنان که با نیکنامی کوشا،
و به نیکی شناسا بوده‌اند،
در سرای خوش اندیشه نیکِ مزدایی و راستی،
آرزو و خواست خویش را
برآورده خواهند یافت.

۳۰/۱۱

ای مردم،
هرگاه این آیین برنهادۀ مزدا را دریابید
که کیفر رنج دیرنده از آن دُروندان است
و شادی و سود بیکران برای راستان،
آنگاه، در پرتو این آیین
به خوشبختی و رستگاری راستین خواهید رسید.

سروده چهارم

۳۱/۱

ای جویندگان دانش،
اینک برای شما،
این آموزشها و سخنان ناشنوده را،
آشکار می‌سازم.
بی‌گمان، این سخنان،
برای کسانی‌که با آموزشِ دروغ،
جهانِ راستی را
به تباهی می‌کشانند، ناگوار
و برای دلدادگانِ مزدا بهترین است.

۳۱/۲

چون، با این آموزشهای نادرست،
 گزینش راه بهتر، روشن و آشکار نیست،
 من، چونان آموزگاری،
 که برگزیدهٔ مزداست،
 به سوی شما می آیم،
 تا هر دو گروه را بیاموزانم
 چگونه برابر راستی زندگی کنند.

۳۱/۳

ای مزدا،
 آن خوشبختی را که در پرتو فروغ مینویی،
 و از راه راستی،
 به هر دو گروه نوید داده‌ای،
 و آن آیینی را که برای فرزندگان است،
 با گفتار خود،
 برای آگاهی ما آشکار ساز.
 تا من، همهٔ مردمان را
 به گردیدن به آن فراخوانم.

۳۱/۴

ای مزدا،
و ای جاودانهای * پاک،
پس ما خواهان راستی و پاکی و پارسایی
و بهترین اندیشه‌های دلخواه،
و توانایی مینویی نیرومند هستیم؛
تا باگسترش آنها،
بر دروغ چیره گردیم.

۳۱/۵

ای اهورامزدا،
مرا بیگاهان،
تا از راه راستی و نیک‌اندیشی،
آن آیینی را که
برای من بهترین است، برگزینم
و پاداش شادببخش آن را دریابم
و آنچه را که خواهد شد و نخواهد شد، ببینم.

۳۱/۶

بهترین پاداشها و خوشبختیها،
از آن دانایی خواهد بود،

که پیام راستین و سخن پاک مرا،
 که مردمان را
 به رسایی و بالندگی جاودانه راه می نماید،
 به آنها می رساند.
 اهورامزدا،
 در پرتو اندیشه نیک،
 توانایی این کس را فزونی می بخشد.

۳۱/۷

اوست که در آغاز،
 با اندیشه اش جهان را روشنایی بخشید.
 و با خردش، هنجار هستی را آفرید.
 تا بهترین اندیشه ها را،
 نگاهدار و پشتیبان باشد.
 ای اهورامزدا، که هسته یکسانی،
 با مینوی خود،
 ما را برافروز و برافراز.

۳۱/۸

ای مزدا،
 هنگامی که تو را با اندیشه ام شناختم،
 دریافتم که

تویی سر آغاز و سر انجام هستی،
و تویی سر چشمه اندیشه نیک.
و آنگاه که تو را با چشم دل دیدم،
دانستم که

تویی آن رفیق راستین راستی،
و تویی آن رهبر مردمان..

۳۱/۹

ای اهورامزدا،
از توست پاکی و پارسایی،
از توست خرد مینوی جهان ساز.
تو به آدمی آزادی گزینش راه داده‌ای
تا راهبر راستین خویش را برگزیند
و از راهبر دروغین سربتابد.

۳۱/۱۰

آنگاه، از میان آن دو،
مردمان می‌باید،
راهبری راستین برای خویش برگزینند
که درست‌کردار باشد
و اندیشه نیک را بیفزاید.
ای مزدا،

هرگز راهبری فریبکار،
با وانمود به راستی و پاکی،
نمی‌تواند آورندهٔ پیام تو باشد.

۳۱/۱۱



ای مزدا،
هنگامی که در آغاز،
با اندیشهٔ خویش،
برای ما تن و خرد و یابش * آفریدی،
و به تن ما جان دمیدی،
و به ما،
توانایی گفتار و کردار دادی،
خواستی که ما باور خویش را
بدلخواه برگزینیم.

۳۱/۱۲

از این رو، هرکس،
چه راست‌گفتار باشد و چه کژگفتار،
چه دانا باشد و چه نادان،
آنچه در دل و اندیشهٔ خود دارد
به زبان می‌آورد و آشکار می‌کند،
و آنگاه که

اندیشه در پرستش و سرگردانی و بدگمانی
می افتد،
پارسایی به یاری روان می آید
و به آن راه می نماید.

۳۱/۱۳

ای مزدا،
هنگامی که کسی آشکارا یا نهان
پرسشی می کند،
و یا کسی در برابر گناهی خرد
کیفری بزرگ می بیند،
تو با دیدگان روشن بین خود
و از راه راستی،

همه اینها را می بینی و می بینی. *چگونه بیدار زنده*

۳۱/۱۴

ای مزدا،
این از تو می پرسم:
درنامه زندگی مردمان و در انجام
از آنچه رفته و از آنچه خواهد رفت،
پیروان راستی را چه پاداشی،
و دُروندان را چه کیفری خواهد بود؟

۳۱/۱۵

ای اهورا،
این از تو می‌پرسم:
سزای کسی که نیروی دُروندِ بدکار را می‌افزاید
چه خواهد بود؟
و کسی که در زندگی
کاری جز آزار راهبرِ درست‌کردار
و جدا کردن مردمان از او ندارد،
چه کیفی خواهد دید؟

۳۱/۱۶

ای اهورامزدا،
این از تو می‌پرسم:
کسی که با دانایی و نیک‌اندیشی،
برای افزایش توانایی خانه یا شهر یا کشورش
و برای گسترش آیین راستی می‌کوشد،
کی و چگونه به تو خواهد پیوست؟

۳۱/۱۷

از پارسا و دُروند،
کدام‌یک راه درست را برگزیده است؟

دانایِ روشن‌بین باید
مردمان را بیاگاهانند،
تا نادان آنان را نفریبد و به گمراهی نکشانند.
ای اهورامزدا،
تو برای ما
آموزگار و راهنمایِ اندیشهٔ نیک باش.

۳۱/۱۸

پس شما هیچ‌یک،
به گفتار و آموزشهای دُروند
گوش فرامدهید،
زیرا دُروند
بی‌گمان خانه و ده و شهر و کشور را
به ویرانی و تباهی می‌کشاند.
پس در برابر دُروند، بایستید و با او برزمید.

۳۱/۱۹

ای اهورامزدا،
باشد که مردمان
به سخن دانایی گوش فرادهند که
راست می‌اندیشد،
چاره‌ساز زندگی مردمان است،

سروده پنجم

۳۲/۱

ای اهورامزدا،
برای رسیدن به بزرگترین خوشبختیها،
خویشاوندان و همکاران و یاوران*
به تو نماز می‌برند،
و دیویسنان نیز با همان اندیشه،
تو را می‌ستایند.
باشد که
ما پیام‌رسان تو باشیم،
و بدخواهان را از دشمنی و یزازی به پیروان تو
باز بداریم.

۳۲/۲

اهورامزدا
 که از راه اندیشه نیک و با توانایی
 بر جهان شهریاری دارید
 به نیایش کنندگان پاسخ داد:
 راستی فروغمند را، که برای پارسایی
 یاوری نیک است،
 برای شما برگزیده‌ام.
 باشد که
 او از آن شما گردد.

۳۲/۳

ای کژاندیشان،
 همه شما و همه آنهایی که
 با خیره سری شما را می ستایند،
 دارای سرشتی زشت و نادرست و خودستا
 هستید،
 و این کردار فریبکارانه است
 که شما را در هفت کشور، به بدی
 زیانزد کرده است.

۳۲/۴

بدین سان شما،
اندیشه مردم را
چنان پریشان و آشفته کرده‌اید،
که بدترین کارها را انجام می‌دهند،
به دوستی با کژاندیشان رو می‌کنند،
از اندیشه نیک دوری می‌جویند،
و از خرد خداوندی و راستی و پاکی می‌گریزند.

۳۲/۵

ای کژاندیشان،
بدین سان شما،
با کردار بداندیشانه
و با اندیشه و گفتار و کردار زشت
و نوید سروری به دروندان،
مردم را فریب دادید
و آنها را در تاریکی حیرت و جاودانه بازداشتید.

۳۲/۶

شاید گناهکار با رفتار خود
به کامیابی برسد و نام آور گردد،

اما ای اهورامزدا،
 تو که همه چیز را به یاد داری،
 با بهترین اندیشه‌ها
 آگاهی و می‌دانی
 در پرتو شهریاری توست که در انجام،
 آیین راستی فرمانروا می‌گردد.

۳۲/۷

از این گناهکاران
 هیچ‌یک نمی‌دانند،
 همان‌گونه که زندگی و آزمون‌گدازان آن
 می‌آموزد،
 پیشرفت از کار و کوشش است.
 ای اهورامزدا،
 تو بهتر از همه
 از سرنوشت این کسان آگاهی.

در آیه ۱۰
 →

۳۲/۸

از این گناهگاران،
 جمشید و یونگهان* شناخته شده است.
 آنکه برای خشنودی مردم و خویشان،
 خداوند جهان را خوار شمرد.

ای مزدا،
من به داوری واپسین تو درباره گناهکاران
بی گمانم.

۳۲/۹

آموزگار بد،
گفته‌های دینی را برمی گرداند و پریشان
می کند.
و با آموزشهای خود،
زندگی خردمندانه را تباه می سازد.
و بدین سان،
مردم را از داشتن سرمایه گرانهای
راستی و اندیشه نیک بازمی دارد.
ای مزدا و ای راستی،
من با سخنانی که از دل برمی خیزد،
به شما گله می آورم و پناه می جویم.

۳۲/۱۰

براستی آموزگار بد،
که گفته‌های دینی را برمی گرداند و پریشان
می کند،
نگریستن به زمین و خورشید را با دو دیده،

از بدترین گناهان می‌انگارد،
 نیک‌اندیشان را به سوی گمراهی می‌کشاند،
 کشتزارها را ویران می‌کند،
 و رزم‌افزا به روی راستان می‌کشد.

۳۲/۱۱

ای مزدا،
 همچنین کسانی زندگی را تباه می‌سازند که
 دُروندان را بزرگ می‌شمارند،
 زنان و مردان بزرگوار را از رسیدن
 به بخشایش ایزدی باز می‌دارند،
 و پارسایان و راستان را
 از بهترین اندیشه‌ها
 دور می‌دارند و می‌آزارند.

۳۲/۱۲

آنان با آموزشهای خود
 مردم را از بهترین کارها باز می‌دارند،
 زندگی مردم را با گفتار فریبنده تباه می‌سازند،
 گرهما* و کَرین** را بر پارسایان
 برتری می‌دهند،
 و برای پیروانِ دروغ

سروری می خواهند.
و مزدا
و برای چنین کسان و کارهای بد آنان
کیفری سخت نهاده است.

۳۲/۱۳

هر نیرویی که گرهما
در پناه بدترین اندیشه‌ها
آرزوی به دست آوردن آن را دارد،
سرانجام
زندگی خود او را به تباهی می‌کشاند.
و آن زمان است، ای مزدا،
که او با ناله و زاری،

می‌بگریزد
→

~~و در پناه بدترین اندیشه‌ها~~
~~آرزوی به دست آوردن آن را دارد،~~
~~سرانجام~~
~~زندگی خود او را به تباهی می‌کشاند.~~
~~و آن زمان است، ای مزدا،~~
~~که او با ناله و زاری،~~
~~در برابر ستمت گریه می‌کند.~~

۳۲/۱۴

از دیرباز،
گرهما با یاری کاوی‌ها*،
خرد و نیروی خود را
برای به ستوده آوردن پیام آور

به کار انداخته‌اند.

آنان

از دُروندان یاری می‌جویند و می‌گویند:

جهان را باید به تباهی کشاند،

تاهوم* جاودانه به یاری آنان آید.

۳۲/۱۵

بدین‌سان،

کرین‌ها و کاوی‌ها،

به دست همان‌کسانی که هیچ‌گاه

برای آنها زندگی آزاد و دلخواه

روا نمی‌داشتند، تباه می‌گردند.

کسانی که در پرتو رسایی و جاودانگی،

به سرای منش نیک راه می‌یابند.

۳۲/۱۶

براستی،

آموزش راستین هوشمندانهٔ مرد پارسا و آگاه،

بهترین چیزهاست.

ای اهورامزدا،

تو می‌توانی کسانی را که در پی آزار منند،

از کارشان باز داری.

و همچنان که تو می خواهی،
خواهان راهبری مردم هستم.
ای اهورامزدا،
می خواهم تو را بینم و هم پرس و گوی تو باشم.

۳۳/۷

ای مزدای بهترین،
به سوی من آی و خود را به من بنمای،
تا در پرتو راستی و اندیشه نیک،
سخنان خود را بیرون از انجمن مغان،
به گوش دیگران نیز برسانم.
باشد که
آنچه بایسته ماست،
و نمازی که شایسته توست برای ما آشکار
گردد.

۳۳/۸

ای اهورامزدا،
آماجهای مرا به من بشناسان،
تا در پرتو اندیشه نیک،
به آنها دست یابم،
و از راه راستی تو را بستایم.

ای مزدا،
بخشش پایدار رسایی و جاودانگی را،
به من ارزانی دار.

۳۳/۹

ای مزدا،
دو مینوی راستی افزای بزرگ رسایی و
جاودانگی را،
که از توست،
با فروغ دل و خرد به دست توان آورد.
باشد که
در پرتو بهترین اندیشه‌ها،
از بخشش آسمانی این دو مینوی هم‌کردار،
برخوردار گردیم.

۳۳/۱۰

ای مزدا،
خوبیهای زندگی را که بوده و هست و خواهد
بود،
و همه آنها از توست،
با مهر خودت به ما ارزانی دار،
و در پرتو اندیشه نیک و توانایی مینویی و

راستی،
تندرستی و خوشبختی ما را بیفزای.

۳۳/۱۱

ای اهورامزداى تواناتر از همه،
و ای پارسایی،
و ای راستی گیتی افزا،
و ای اندیشه نیک،
و ای توانایی مینویی،
به من گوش فرادهید،
و آنگاه که پاداش هرکس را می دهید،
بر من بخشش آورید.

۳۳/۱۲

ای اهورامزدا،
خود را به من بنمای،
و با پارسایی روانم را توانا کن،
و با میتوی پاک و فزاینده خود،
نیایشهایم را پاسخ گوی،
و با راستی مرا
از نیرو و توان بسیار برخوردار کن،
و با اندیشه نیک سروری ام بخش.

۳۳/۱۳

ای اهورامزداى بسیار بی‌تا،
بخشش بی‌مانندت را که از شهریارى تو،
و از اندیشه نیک است،
برای خوشبختی و شادمانی من،
بر من آشکار ساز.
و تو ای پارسایی،
در پرتو راستی،
یابش و روشنایی دل به من ارزانی دار.

۳۳/۱۴

اینک، زرتشت
همه تن و جان،
و گزیده اندیشه نیک خود را،
به مزدا نیاز می‌کند،
و کردار و گفتار و دل آگاهی
و همه توان مینویس خود را،
به راستی ارمغان می‌دارد.

سروده هفتم

۳۴/۱

ای اهورامزدا،
کردار و گفتار و نیایشی که به مردم
جاودانگی و راستی و نیروی رسایی می بخشد،
همه را،
نخست به تو نیاز می کنم.

۳۴/۲

ای اهورامزدا،
مرد پاک پارسای نیک اندیشی

که روانش با راستی پیوسته است،
همه اندیشه و کردار خود را به تو نیاز می‌کند،
باشد که
با سروده ستایشی که می‌سرایم و نیایشی که
می‌کنم، به تو نزدیک گردم.

۳۴/۳

یستی

ای اهورامزدا،
آنچه سزاوار تو و در راه راستی است،
با نماز به تو به جا می‌آوریم و نیاز تو می‌کنیم،
باشد که همه مردمان،
در پرتو اندیشه نیک و شهریاری تو،
به رسایی برسند.
ای مزدا،
براستی آنکه داناست،
پیوسته از نیروی مینویی تو برخوردار گردد.

۳۴/۴

ای اهورامزدا،
ما در پرتو راستی،
فروغ پرتوان تو را خواهانیم،
آن فروغ جاودانه و توانا

که پیروان راستی را آشکارا یاری می دهد،
و با توانایی،
آزار و دشمنی بدخواهان را
می بیند و درمی یابد و دور می دارد.

۳۴/۵

ای مزدا،
چه بزرگ است شهریاری تو و توانایی تو. *صد*
چه اندازه آرزومندم که کار در راه تو کنم و به تو
پیوندم،
و با راستی و اندیشه نیک،
وارستگان تو را یار و یاور باشم.
تو را بر تو آرزو هستم *می*،
و از خدایان نورشین و مردمان گمراه بیزاری
می

اهورا مزدا داداست

۳۴/۶

ای مزدا و ای راستی،
و ای اندیشه نیک،
چون شما چنان هستید که من بدرستی
دریافته ام،
پس در سراسر فراگشتهای زندگی،

مرا راه بنمایید.
تا با ستایش و نیایشی از دل،
به سوی شما بازآیم.

۳۴/۷

ای مزدا،
کجایند آن دلدادگان تو؟
که با اندیشه نیک،
از آموزشهای پراج تو آگاهند،
و آنها را،
چه در رنج و چه در خوشی،
با هوشمندی به کار می بندند.
من کسی را جز تو نمی شناسم،
پس، در پرتو راستی
مرا پشت و پناه باش.

۳۴/۸

ای مزدا،
براستی، دُروندان،
با کردارهای خود ما را هراسان می دارند،
زیرا آنان،
برای مردم تباهی و ویرانی می آورند،

توانمندانشان به ناتوانان ستم می‌کنند،
با آیین تو دشمنی می‌ورزند،
هیچ‌گاه به راستی نمی‌اندیشند،
و از اندیشه نیک می‌گریزند و روی می‌گردانند.

۳۴/۹

ای مزدا،
کسانی که
با کردارهای زشت خود
و با ناآگاهی از اندیشه نیک،
پارسایی را
که نزد دانایان گرامی است
از دست می‌نهند،
به همان‌گونه که تباهکاران بی‌فرهنگ
از ما روی برمی‌تابند،
از راستی دوری می‌جویند.

۳۴/۱۰

خردمند گوید:
کار بر اندیشه نیک کنید،
پارسایی را که بنیاد راستی است
نگاهداری باشید،

و بدانید که همهٔ اینها،
در شهر یاری اهورامزدا پدیدار خواهد شد.

۳۴/۱۱

ای مزدا،
اینک دو بخشش:
رسایی و جاودانگی تو،
به روشنائی راه می نماید.
و اندیشهٔ نیک و راستی و پارسایی،
استواری و توانایی مینویی را می فزاید.
و با اینهاست
که چیرگی بر دشمنان
به دست می آید.

۳۴/۱۲

ای مزدا،
کدام است آیین تو؟
و چیست
خواست تو و ستایش تو و نیایش بایستهٔ تو؟
فراگوی و به ما بنمای،
تا پاداش دستورها ی تو را دریابیم،
و در پرتو راستی،

راه خودشناسی و نیک‌منشی را بشناسیم.

۳۴/۱۳

سستی
→

ای اهورامزدا،
این راهی که به من نمودی،
راه اندیشه نیک و دستور و آموزش
~~سستی~~
و آن چنین است که
تنها کردار نیک در پرتو راستی
به شادمانی می‌انجامد؛
آن پاداشی که تو به دانایان می‌بخشی.

۳۴/۱۴

ای اهورا،
بی‌گمان
تن و جان کسانی
از آن پاداش نوید داده شده برخوردار می‌گردد
که کار با اندیشه نیک کنند،
در آبادانی و پیشرفت جهان بکوشند،
و در پرتو راستی
آیین خرد نیک تو را پیش برند
و خواست تو را برآورده سازند.

ای اهورامزدا،
بهترین گفتارها و کردارها را به من بیاموز تا
با اندیشه نیک و با پاکی و راستی،
تو را بشناسم،
و با شهریاری و با خواست خود،
و در پرتو راستی،
زندگی را برای من تازه گردان.

سروده هشتم

۴۳/۱

علم

اهورامردای همه توانا

چنین برنهاده است

که خوشبختی از آن اوست

که به دیگران خوشبختی بخشد.

من برای پیشرفت و نگاه داشتن آیین راستی،

خواهان استواری و توانایی هستم.

ای پارسایی،

آن پرتوی را

که پاداش زندگی نیک منشانه است،

به من ارزانی دار.

۴۳/۲

و همچنین،
 بهترین پاداشها
 از آن کسی است
 که خواستار روشنایی است،
 و به دیگران روشنایی بخشد.
 ای اهورامزدا،
 با خرد پاک خود،
 و در پرتو آیین راستی،
 دانش برخاسته از اندیشه نیک را
 به من ببخشای،
 تا از زندگی دراز شادمانه برخوردار گردم.

۴۳/۳

پس بر راستی،
 بهترین نیکیها به کسی خواهد رسید،
 که در زندگی ~~مادی~~ ^{مصری} و ~~مادی~~ ^{مصری}
 راه راست خوشبختی
 که ما را به بارگاه اهورا می رساند،
 به ما بیاموزاند.
 ای مزدا، سرانجام،
 در پرتو دانش نیک و پاکی و پارسایی،

دلدادگان تو، به تو می پیوندند.

۴۳/۴

ای مزدا،
هنگامی تو را با ~~پاک~~ و ~~پاک~~ شناختم

که دریافتم، تو با نیروی خود
خواست ما را برآورده می سازی،
و دُرودان و راستان را
به کیفر و پاداش می رسانی،
و با فروغت، که از راستی نیرومند است
و به دلها گرمی می بخشد،
ما را از توان اندیشه نیک
برخوردار می گردانی.

۴۳/۵

ای اهورامزدا،
آنگاه تو را پاک شناختم،
که تو را در سرآغاز زندگی دیدم،
و دریافتم،
که تو برای گفتار و کردار پاداش برنهاده ای:
بدی برای بدان و نیکی برای نیکان،
آیینی که در پرتو هنر و خرد تو،

تا انجام آفرینش و پایان زندگی
به جای خواهد ماند.

۴۳/۶

ای مزدا،
آن زمان که
خرد پاک تو فراز آید،
توانایی مینویی و اندیشه نیک،
باکنش خود
جهان را به سوی راستی پیش می راند.
و پارسایی،
آیین خرد تو را،
که کسی آن را نتواند فریفت،
به رادان می آموزاند.

۴۳/۷

ای اهورامزدا،
آنگاه تو را پاک شناختم که
اندیشه نیک بر من فراز آمد و پرسید:
که هستی و از کیستی؟
و در برابر پرسشها و دودلیهای روزانه،
دربارۀ جهان و خودت،

چه راهی را می‌شناسی و می‌نمایی؟

۴۳/۸

نخست به او گفتم:
متم زرتشت،
و تا آنجا که در توان دارم،
دشمن سرسخت دُروندان
و پناه نیرومند راستانم.
ای مزدا، می‌خواهم،
تا آن زمان که ستایشگر و درودگوی تو هستم،
پیوسته از نیروی بیکران تو
برخوردار گردم.

۴۳/۹

ای اهورامزدا،
آنگاه تو را پاک شناختم که
اندیشه نیک بر من فراز آمد و پرسید:
به که نماز می‌آوری؟
گفتم:
به فروغ مزدا نماز می‌آورم،
و تا مرا تاب و توان هست
دل به راستی می‌بندم.

۴۳/۱۰

ای مزدا،
 پس مرا به سوی راستی دلخواه من
 راه بنمای،
 تا با پیروی از پارسایی آن را دریابم.
 و از ما پیرس و ما را بیازمای،
 که پرسش و آزمون توست،
 که راهبران را
 نیرومندی و برتری بخشد.

۴۳/۱۱

ای مزدا،
 هنگامی تو را پاک شناختم که
 اندیشه نیک بر من فراز آمد،
 و من، از سخنان تو آموختم و دریافتم که،
 گسترش آیین تو در میان مردمان دشوار است.
 اما من،
 آنچه را که به نزد تو بهترین است،
 به انجام می‌رسانم.

۴۳/۱۲

آنگاه،
به من سخنی گفتی که چونان نشنوده بودم،
گفتی:
به سوی راستی روم،
تا دانا گردم،
بکوشم تا سروش در دلم آوا دهد،
و در پرتو روشنایی آن دریابم
که به هر دو گروه نیکان و بدان،
پاداش و کیفر بایسته داده خواهد شد.

۴۳/۱۳

این مزدا،
آنگاه تو را پاک شناختم که
اندیشه نیک بر من فراز آمد،
و بدو گفتم:
برای رسیدن به آماجم،
مرا زندگی درازی آرزوست،
آن زندگی دلخواه،
که تنها تو می بخشی،
و در توان و شهریاری توست.

۴۳/۱۴

ای مزدا،
همان‌گونه که مرد دلیر و توانا،
به دوست خود شادمانی بخشد،
تو نیز با شهریاری خود،
و در پرتو راستی،
به پیروان من
شادمانی ارزانی دار.
من به پا خواهم خاست،
و همراه با همهٔ آنهایی که
سرایندهٔ سخن اندیشه‌انگیز تو هستند،
پشتیبان آموزشهای تو خواهم بود.

۴۳/۱۵

ای اهورامزدا،
آنگاه تو را پاک شناختم که،
اندیشهٔ نیک بر من فراز آمد
و مرا آموخت که،
بهترین راه بالندگی مینویی،
اندیشیدن در آرامش است،
و راهبر هرگز نباید در پی خشنودی دُروندان
باشد،

زیرا آنان

پیوسته با راستان راه دشمنی می‌پویند.

۴۳/۱۶

ای اهورا،

پس زرتشت

برای خویشتن پاکترین اندیشه‌ها را

برمی‌گزیند.

باشد که

در پرتو راستی،

زندگی مادی ما نیروگیرد،

پارسایی و توانایی مینویی

زندگی ما را تابان گرداند،

و اندیشه نیک

کارهای ما را به پاداش نیکو برساند.

مرا یاری می‌ی

تا اندیشه نیک به سوی ما آید؟

۴۴/۲

ای اهورامزدا،
 این از تو می پرسم،
 پرسشم را بازگویی،
 چیست سرآغاز و سرچشمهٔ بهترین زندگیها؟
 و کسی که در پی آن کوشاست،
 چه پاداشی می یابد؟
 و آنکه برگزیدهٔ همگان است،
 چگونه در پرتو راستی،
 پاک، دوست و چاره ساز زندگی،
 و نگهبان همهٔ کارهای مینویی است؟

۴۴/۳

ای اهورامزدا،
 این از تو می پرسم،
 پرسشم را بازگویی،
 کیست در آغاز،
 آفریدگار و پدر راستی؟
 چه کسی به خورشید و ستارگان،
 راه پیمودن نموده است؟
 کیست که از او
 ماه گاه در افزایش است و گاه در کاهش؟

ای مزدا،
من خواهان دانستن اینها و دیگر چیزهایم.

۴۴/۴

ای اهورامزدا،
این از تو می‌پرسم،
پرسش‌م را بازگویی،
کیست آنکه،
زمین را در پایین و آسمان بی‌نشیب را در بالا
نگاه داشته است؟
کیست آنکه،
آب و گیاه را آفریده است؟
کیست آنکه،
به باد و ابر تیره تندروی داده است؟
و کیست آنکه،
اندیشه نیک را پدیدار ساخته است؟

۴۴/۵

ای اهورامزدا،
این از تو می‌پرسم،
پرسش‌م را بازگویی،
کدام مهسازی،

آن کس که در پرتو آموزشهای تو،
 به پیروزی می رسد،
 و پناه مردمان می گردد کیست؟
 آن رهبر دانای چاره ساز زندگی را به من
 بنمای،
 و سروش و اندیشه نیک را،
 به او و به هر کس که خواستاری،
 ارزانی دار.

۴۴/۱۷

ای اهورامزدا،
 این از تو می پرسم،
 پرسشم را بازگویی،
 چگونه با رهنمود تو،
 شور مهر تو را دریابم و به تو بیوندم؟
 تا سخنانم بر دلها نشیند،
 و با پیامی که از راستی برمی خیزد،
 مردمان را
 به سوی رسایی و جاودانگی رهنما گردم.

۴۴/۱۸

ای اهورامزدا،
این از تو می پرسم،
پرشم را بازگوی،
چگونه در پرتو راستی،
نیروهای دهگانه برونی و درونی من،
زایا و نیرومند و فروزان می گردد؟
تا با آنها، رسایی و جاودانگی را دریابم،
و آن دو را نیاز مردمان گردانم.

۴۴/۱۹

ای اهورا،
این از تو می پرسم،
پرشم را بازگوی،
زمانی که نیازمندی با سخنانی راستین
نزد کسی می رود،
و آنکس پاداش بایسته به او نمی دهد،
سزای کتونی این کس چیست؟
من از آنچه در انجام به او خواهد رسید، آگاهم.

۴۴/۲۰

ای مزدا،
این را نیز می‌پرسم،
چگونه دیویسنیان می‌توانند شهریارانی نیک
باشند؟
آنهايي که،
با یاری کرپن‌ها و کاوی‌ها و اسیخس،
جهان را به خشم و آزار کشانده‌اند،
و مردمان را به ناله و فغان درآورده‌اند،
و هیچ‌گاه بر پایه راستی نبوده‌اند،
و برای پیشرفت و آبادانی جهان نکوشیده‌اند.

سروده دهم

۴۵/۱

اینک سخن می دارم،
گوش بدارید و بشنوید،
ای کسانی که خواهان شنودنید،
و ای کسانی که از دور و نزدیک فرآمده اید،
همه این گفته‌ها را نیک به یاد بسپرید،
مباد آنکه،
آموزگار بد،
دگر باره زندگی شما را تباه کند،
و دُرُوند با گفته‌های خود و با باورهای
نادرستش،

شما را به گمراهی بکشاند.

۴۵/۲

اینک سخن می‌دارم از دو مینو،
 که در آغاز آفرینش،
 از آن دو، مینوی پاک به دیگری گفت:
 ما دورا،
 نه اندیشه و نه آموزش، و نه خرد و نه باور،
 و نه گفتار و نه کردار و نه یابش و نه روان،
 با هم سازگار و همراهند.

۴۵/۳

اینک سخن می‌دارم،
 از آنچه اهورامزداى دانا،
 درباره بنیاد آیین زندگی به من بازگفت،
 کسانی که این پیام و گفت اندیشه‌انگیز را،
 آنچنان که من دریافته‌ام و می‌گویم،
 به کار نیندند، زندگی آنان در پایان،
 همراه با دریغ و افسوس خواهد بود.

۴۵/۴

اینک سخن می دارم،
از آنچه در زندگی بهترین است،
و آن را در پرتو راستی دریافته‌ام:
مزدا آفریدگار راستی است،
مزدا سرچشمه اندیشه نیک،
و اندیشه نیک برای کوشش است.
مزدا پروردگار پارسایی،
و پارسایی مایه نیکوکاری است.
و مزدای از همه چیز آگاه را،
نمی توان فریفت.

۴۵/۵

اینک سخن می دارم،
از آنچه اهورامزدا پاکترین به من گفت:
سخنی که شنودن آن برای مردم بهترین
است.
آنها که آموزشهای مرا بشنوند،
و بدانها ارج نهند و فرمان برند،
به رسایی و جاودانگی رسند،
و با کردارهایی که از اندیشه نیک برخیزد،
اهورا را دریابند.

۴۵/۶

اینک سخن می دارم،
 از آنکه از همه بزرگتر و برتر است،
 و با راستی می ستایم او را،
 آن سرور دانا و جاودانهای پاک او را.
 باشد که اهورامزدا،
 با خرد پاک خود ستایش ما را بشنود.
 باشد که
 با مهر و در پرتو اندیشه نیک بدو برسیم.
 و باشد که او با خرد خود،
 آنچه را که بهترین است به ما بیاموزد.

۴۵/۷

او کسی است که
 همه رادان،
 چه آنها که بوده اند و چه آنها که هستند،
 و چه آنها که خواهند بود،
 رستگاری خود را از او جویند.
 و این بدانند که
 روان نیکان پیوسته توانا و پیروز خواهد بود،
 و دُرُوند همیشه با رنج به سر خواهد برد.
 و این آیینی است که،

اهورامزدا با شهریاری خویش بر نهاده است.

۴۵/۸

ستایی

→

~~و نیشتم و نیشتم~~

روی به اهورامزدا می آورم

و با دیده دل او را می بینم،

و با اندیشه و گفتار و کردار نیک،

و در پرتو راستی،

تالک

↓

~~و نیشتم و نیشتم~~

~~و نیشتم و نیشتم~~

نیاز من کنم

۴۵/۹

اهورامزدا را،

با اندیشه نیک خشنود می سازیم،

او که با خواست خود،

برای ما شادی و رنج آفریده است.

باشد که اهورامزدا،

با توانایی خود،

به ما نیروی کار کردن بخشد،

تا در پرتو اندیشه نیک و راستی و دانش

درست،

در راه پیشرفت مردمان بکوشیم.

۴۵/۱۰

او را با پارسایی می ستاییم و بزرگ می داریم.
او که همواره،
هستی بخش دانای بزرگ نام دارد
در پرتو راستی و اندیشه نیک،
و با شهریاری خود
به مردمان نوید رسایی و جاودانگی می دهد،
و به آنها تندرستی و توانایی می بخشد.

۴۵/۱۱

اهورامزدا،
برای کسی که،
دیو یستیان و پیروان آنان را دشمن می دارد،
و راهش از آنکه،
اهورامزدا را خوار می شمارد و زشت می انگارد،
جداست،
و درباره اهورامزدا نیک می اندیشد،
و سوشیانس های دانا و یاوران آیین را،
بدرستی می شناسد،
چونان دوست و برادر و پدر خواهد بود.

سروده یازدهم

۴۶/۱

به کدام زمین روی آورم؟
و به کجا روم؟
مرا از خویشاوندان و یارانم دور می‌دارند،
از همکاران نیز مرا خشنودی نیست،
و نه از شهریاران کشور که هواخواه دروغند.
ای اهورامزدا،
چگونه می‌توانم تو را خشنود گردانم؟

۴۶/۲

ای اهورامزدا،
 من می‌دانم چرا ناتوانم،
 نوای من اندک و کسان من کم‌اند.
 من به تو می‌زیایم،
 مرا نیک بنگر،
 من از تو خواهان آن مهری هستم که،
 دلدار به دلداره می‌بخشد.
 در پرتو راستی،
 مرا از نیروی اندیشه نیک بیابان.

۴۶/۳

ای اهورامزدا،
 کی سپیده دم آن روز فراخواهد رسید
 که راستی برای نگاهداری جهان بدرخشد؟
 کی سوشیانس‌ها،
 با آموزشهای فزاینده و بخردانه می‌آیند؟
 و اندیشه نیک چه کسی را یاری می‌کند؟
 ای اهورا،
 من تنها آموزش و آیین تو را برمی‌گزینم.

۴۶/۴

دُرندی که
با کردار دشمنانه و زیانبار خود
به زشتی زیانزد است،
پشتیبانان راستی را
از پیشبرد زندگی مردمان
در شهر و در کشور بازمی‌دارد.
ای مزدا،
کسی که به جان با دُروند بستیزد،
مردم و جهان آفرینش را به راه خرد و یابش
نیک
پیش می‌برد.

۴۶/۵

ای اهورامزدا،
اگر دانا و توانایی که پیرو راستی است
و بدرستی زندگی می‌کند،
بر پایه آیین ایزدی و یا از راه مهر،
دُرندی را که از او یاری می‌جوید
بگرمی بپذیرد،
با خرد خود می‌تواند
او را از گمراهی و تباهی و گزند برهاند

و به خودشناسی برساند.

۴۶/۶

اما اگر آن توانا،
 به کسی که برای یاری به سوی او آمده است،
 یاری نکند،
 او خود به دام دُروند فریبکار خواهد افتاد،
 زیرا، بر پایه آیین دین
 که اهورامزدا از آغاز برنهاده است،
 کسی که برای دُروند بهترین را بخواهد،
 خود دُروند است،
 و آنکه راستان را ارجمند بدارد،
 از راستان است.

۴۶/۷

ای مزدا،
 هنگامی که دُروند آماده آزار من است،
 جز فروغ تو و اندیشه به تو،
 چه کسی پناه من خواهد بود؟
 ای اهورا،
 از این دو فروزه روشنایی و دانایی است که
 آیین راستی به کار بسته می شود،

پس نهاده و یابش مرا از این آیین آگاه ساز.

۴۶/۸

اخذی کردی

ای مزدا،
از کردارهای کسی که
در پی آزار جهانیان است،
گزندی به من نخواهد رسید،
و آن کردارهای دشمنانه،
به خود او بازخواهد گشت،
و او را از زندگی نیک بازخواهد داشت،
و زندگی اش را به بدی خواهد کشانید.

۴۶/۹

کیست، آن رادی که
نخست مرا بیاموزد
که تو بیش از همه سزاوار ستایشی،
تو سرور راستی و داور پاک کردارهایی.
و ما پیوسته خواستاریم که با اندیشه نیک،
از آیین راستی و از آنچه تو در آن باره گفته‌ای،
آگاه گردیم.

۴۶/۱۰

ای اهورامزدا،
 من بدرستی گویم،
 هرکس، چه مرد و چه زن،
 آنچه را که تو در زندگی بهتر می شماری، به جای
 آورد،
 در پرتو اندیشه نیک،
 از پاداش راستی و توانایی مینویی برخوردار
 گردد.
 من این کسان را،
 به ستایش تو راه می نمایم،
 و از گذرگاه داوری می گذرانم.

۴۶/۱۱

کاوی‌ها و کرین‌ها،
 با نیروهای به هم پیوسته خود،
 و با کردارهای زشت،
 زندگی مردم را تباه می کنند.
 اما روان و یابش اینان،
 هنگام رسیدن به گذرگاه داوری،
 بر آنان خواهد خروشید،
 و برای همیشه به سرای دروغ خواهند شد.

۴۶/۱۲

هنگامی که
فرزندان و نوادگان فریان تورانی،
به راستی روکنند،
و با پارسایی،
در پیشرفت و آبادانی جهان بکوشند،
آنگاه اهورامزدا،
در پرتو اندیشه نیک،
آنان را به هم می پیوندد،
و خوشی و رستگاری را،
بر آنها آشکار می کند.

۴۶/۱۳

هرکس که زرتشت اسپتمان را،
در انجام کارهایش یاری می کند و خشنود
می سازد،
به درست کرداری زیانزد می گردد.
اهورامزدا به چنین کسی زندگی نیک
می بخشد،
و در پرتو اندیشه نیک،
گیتی او را می افزاید،
و هرکسی او را،

دوست نیک راستی می شناسد.

۴۶/۱۴

ای زرتشت،
کیست دوست راست کردار تو؟
و کیست،
آنکه براستی،
خواهان نیکنامی و بلند آوازی انجمن مغان
است؟
این کس براستی کی گشتاسب دلیر است.
ای اهورامزدا،
من مردمان را
با سخنان برخاسته از اندیشه نیک
فرامی خوانم،
تا به بارگاه تو راه یابند.

۴۶/۱۵

ای فرزندان هیچدسپ اسپنتمان،
به شما می گویم،
بشنوید آنچه را که برای شما بهترین است،
تا با آن دانا را از نادان باز شناسید،
و با کردار خود،

راستی را که آیین بنیادین اهوراست،
از آن خود سازید.

۴۶/۱۶

ای فرسوستر هُوگُو،
با یاران گرویده خود،
که ما هر دو برای آنها،
خواهان فروغ و خوشبختی پایدار هستیم،
به آنجا رو،
جایی که راستی با پارسایی پیوسته است،
و در آنجا، اندیشه نیک و توانایی،
فرمان می‌رانند،
و شکوه اهورامزدا نمایان است.

۴۶/۱۷

ای جاماسب * هُوگُو،
ای خردمند، من اینک،
با سخنانی یافته * به تو می‌آموزم،
نه با سخنانی ناوافته *،
تا آن را به دل فراگیری و پرستنده آن باشی.
هرکه دانا را از نادان بازشناسد،
اهورامزدا، در پرتو راستی،

نگاهبان پرتوان او گردد.

۴۶/۱۸

کسی که به من بیوندند،
 من برای او بهترین هستم،
 و در پرتو اندیشه نیک،
 بهترینها را به او نوید می دهم.
 و اما آنکه با من در ستیز است،
 من نیز با او در ستیزم.
 ای مزدا، من با راستی،
 خواست تو را برآورده می سازم،
 راهی که خرد و اندیشه من،
 آن را برگزیند.

۴۶/۱۹

کسی که بر راستی،
 خواست زرتشت را،
 که ساختن جهان تازه است،
 برآورده می سازد،
 از پاداش زندگی جاودانه برخوردار می گردد،
 و در این جهان زاینده بارور،
 به همه آرزوهای دلش،

سروده دوازدهم

۴۷/۱

اهورامزدا،
با شهر یاری و مهر خود،
به کسی که رفتار و گفتارش،
در پرتو اندیشه نیک و بهترین منشها،
بر پایه راستی باشد،
رسایی و جاودانگی بخشد.

۴۷/۲

کسی که در پرتو پاکترین اندیشه‌ها،
 راه بهترین را می‌پوید،
 و زبانش گویای اندیشه نیک است،
 و دستهایش
 به کارهای پارسایی گشوده است،
 تنها یک اندیشه دارد:
 اهورامزدا، آفریننده و پروردگار و سرچشمه
 راستی است.

۴۷/۳

ای مزدا،
 براستی، تو آفریدگار اندیشه نیک هستی،
 و هنگامی که مردمان با اندیشه نیک،
 هم‌پرسی کردند،
 تو برای آنان،
 این زمین و جهان را آفریدی و پارسایی را
 و برای آبادی و رهبری آن،
 پارسایی را بر نهادی.

فان
 →

۴۷/۴

ای مزدا،
دُروندانی که
از اندیشه نیک روی برتابند،
رنج کشند و آزار ببینند.
و راستان که چنین نکنند، چنین نبینند.
راست کردار، اگر هم کم نوا باشد،
تزد راستان گرامی است،
و دروند، اگر هم توانگر و توانا باشد،
بی ارج است.

۴۷/۵

ای اهورامزدا،
تو در پرتو اندیشه پاک،
راست کرداران را،
به بهترین بخششها نوید داده‌ای.
اما دُروند،
از مهر تو بهره‌ای بر نمی‌دارد.
زیرا دُروند را،
اندیشه و کردار زشت و نادرست است.

سروده سیزدهم

۴۸/۱

ای اهورامزدا،
به هنگام پاداش،
و آن زمان که راستی بر دروغ چیره گردد،
و فریب دیوان و یاران آنها
برای همیشه آشکار شود،
آنگاه، در پرتو بخشایش تو،
ستایش تو و مهر به تو فزونی گیرد.

ب

ج

و

۴۸/۶

براستی
پناهگاه
زمین به
دو دهش

۴۸/۱۱

ای مزدا،
 کی راستی و پاکی و پارسایی،
 و کشور پر از کشتزارهای گسترده،
 و خانمان خوب و آباد،
 پدیدار خواهد شد؟
 چه کسانی،
 ما را در برابر دُر و نندان تیره دل
 رامش خواهند داد؟
 و چه کسانی،
 دانش و بینش اندیشه نیک را،
 در خواهند یافت؟

۴۸/۱۲

سوشیالیسم
 ↓
 سوسیالیسم

ای مزدا،
 سوشیالیسم ~~های~~ کشورهای،
 کسانی خواهند بود که،
 با پیروی از اندیشه نیک،
 بایسته خود را به انجام می‌رسانند.
 کردارشان بر پایه راستی و آموزشهای توست،
 و بدرستی برای چیرگی و برافکندن خشم،
 گمارده شده‌اند.

۱۴

ا
ک

سروده چهاردهم

۴۹/۱

ای مزدا،
دیرگاهی است که بندو*،
که از کردار نادرست خود شادمان است،
در برابر من ایستادگی می‌کند.
ای بخشندهٔ مهربان،
با پاداش نیک به سوی من آی،
تا با اندیشهٔ پاک،
او را از گمراهی برهانم.

۴۹/۲

ای مزدا،
 این بندو مرا نگران کرده است،
 زیرا کیش او دروغ و فریب،
 و دوری جستن از راستی است،
 او نه به پارسایی پایند است،
 و نه با اندیشه نیک در پرسش و پاسخ است.

۴۹/۳

ای مزدا،
 تو بدرستی این باور و آموزش را،
 برای همه بر نهاده‌ای که
 راستی سود بخشد و دروغ زیان آورد.
 از همین روست که،
 من خواهان اندیشه نیک هستم،
 و همگان را از پیوند با دُروند بازمی دارم.

۴۹/۴

کسانی که
 با خرد بد و با زبان خود،
 خشم و رشک را می‌افزایند،

و مردم سازنده و پرورشگر را،
از کار خود بازمی‌دارند،
و با کردار زشتی که دارند،
در پی نیکوکاری نیستند،
دیوانی هستند که،
نهاد و یابش مردم را به دروغ و گمراهی
می‌کشانند.

۴۹/۵

ای مزدا،
اما کسی که
با دل و جان یابش خود را،
به اندیشه نیک پیوندد،
و در راه پارسایی و راستی و دانایی گام بردارد،
سرانجام،
در کشور جاودانی تو جای می‌گیرد.

۴۹/۶

ای اهورامزدا،
و ای راستی،
مرا از آنچه در خرد و اندیشه شماست،
آگاه کنید،

تا دینی راکه از آن شماسه،
 بازشناسم،
 و به دیگران بشنوانم.

۴۹/۷

ای اهورامزدا،
 باشد که مردمان،
 با اندیشه نیک و از روی راستی،
 پیام مرا بشنوند،
 و تو نیز گواه باش که
 از همیاران و خویشاوندان،
 کدام یک برابر آیین زندگی می کنند،
 تا برای همکاران،
 راهنمای نیک باشند.

۴۹/۸

ای اهورامزدا،
 از تو خواستارم که،
 رسایی و شادمانی و پیوستگی با راستی را،
 به فروشستر ارزانی داری،
 و همین پاداش را نیز،
 با شهریاری خودت به دیگر یارانم ببخشی،

باشد که ما برای همیشه دلدادۀ تو باشیم.

۴۹/۹

ای جاماسب دانا،
باشد که
پیش برنده‌ای که برای رهایی مردم،
آفریده شده است،
به این آموزش گوش فرادارد که،
راست‌گفتار،
هرگز اندیشه پیوستگی با دُروند را ندارد،
و کسانی که دارای یابش روشنند،
از بهترین پاداشها برخوردار می‌گردند،
و سرانجام به راستی می‌پیوندند.

۴۹/۱۰

ای مزدا،
من اندیشه نیک و روان راستان را،
در بارگاه تو، به تو می‌سپارم،
تا نگاهدار آنها باشی.
و می‌ستایم،
پارسایی و خواستهای دل را،
و می‌ستایم تو را،

که شهریار بزرگ و پایدار و جاودانه هستی.

۴۹/۱۱

روان شهریاری ستمگر،
و بدکردار و بدگفتار و بدنهاد و بداندیش
دُروند،
از روشنایی به تیرگی بازمی‌گردد.
براستی اینان،
ماندگاران سرای دروغند.

۴۹/۱۲

ای اهورامزدا،
در پرتو راستی و اندیشه نیک،
به زرتشت،
که ستایشگر توست چه یاری می‌رسانی؟
من بدرستی و با سروده‌های ستایشم،
تو را می‌ستایم،
و آن را که نزد تو بهترین است می‌خواهم.

سروده پانزدهم

۵۰/۱

ای اهورامزدا،
هنگامی که برستی تو را فرامی خوانم،
جز راستی و اندیشه نیک تو،
روان مرا چه کسی یاری خواهد داد؟
و چه کسی،
نگاهدار من و یاران من
خواهد بود؟

۵۰/۲

ای مزدا،
کسی که برای جهان
خرمی و شادمانی می جوید،
و آن را پیوسته آبادان می خواهد،
چگونه
در پرتو راستی و فروغ تابناک به سر خواهد
برد؟
و در میان راستان و در سرای دانایان
جای خواهد گرفت؟

۵۰/۳

ای مزدا،
پس بدرستی،
راستی به کسی روی خواهد کرد که،
توانایی مینویی و اندیشه نیک
راهنمای او باشد،
و در پرتو این بخششها،
پیرامون خود راکه دُروند فراگرفته است،
آباد گرداند.

۵۰/۴

ای اهورامزدا،
اینک تو را و راستی را و بهترین اندیشه‌ها،
و توانایی مینویی را می ستایم،
و می خواهیم که در راه راست باشیم،
و در سرای سروده،
به سخنان دلباختگان تو،
گوش فرادارم.

۵۰/۵

ای اهورامزدا،
و ای راستی،
به سرایندهٔ سرودِ اندیشه‌انگیز خود،
مهر آورید،
و بدو روی کنید،
و او را یار و پشتیبان باشید.
تا او بتواند راهنمای مردمان،
به سوی روشنائی باشد.

۵۰/۶

ای مزدا،
 من،
 زرتشتِ دوستدار راستی،
 با آوای بلند تو را می ستایم،
 باشد که
 پیوسته زبانم را به راه خردگویا باشی،
 و در پرتو اندیشه نیک،
 آیین خود را به من بنمایانی و بیاموزانی.

۵۰/۷

ای مزدا،
 من،
 با برانگیزترین سروده ها،
 و برای دستیابی به پیروزی،
 تو را می ستایم و به تو می پیوندم،
 تا در پرتو راستی و اندیشه نیک،
 ما را راه بنمایی و یاور ما باشی.

۵۰/۸

من،
با سروده‌های وافته برخاسته از شور دل،
و با دستهای برافراشته،
به تو روی می‌آورم،
و با راستی و فروتنی یک پارسا،
به تو نماز می‌برم،
و در پرتو هنر اندیشه نیک،
به تو نزدیک می‌شوم.

۵۰/۹

ای مزدا،
با این سروده‌های ستایش،
و در راه راستی،
و با کارهای برخاسته از اندیشه نیک،
به سوی تو می‌آیم،
و تا زمانی که به آماج دلخواه خود دست یابم،
همچنان خواستار دریافت دانش نیک تو
خواهم بود.

۵۰/۱۰

ای اهورامزدا،
 کارهایی که در گذشته انجام داده‌ام،
 و کارهایی که در آینده انجام خواهم داد،
 و آنچه از اندیشه نیک،
 چونان روشنایی خورشید،
 و سپیده بامدادی، به دیده تو گرامی است،
 همگی در راه راستی و برای نیایش
 و گرامی داشت تو بوده و خواهد بود.

۵۰/۱۱

ای مزدا،
 تا آنجا که در پرتو راستی،
 توش و توان دارم،
 تو را ستوده‌ام و خواهم ستود.
 باشد که تو ای آفریننده جهان،
 در پرتو اندیشه نیک،
 نخستین و بهترین خواست درست‌کرداران را،
 که تازه گردانی جهان است،
 برآورده سازی.

سروده شانزدهم

۵۱/۱

توانایی نیک مینویی،
بخشش گرانبهایی است آسمانی،
که در پرتو راستی،
در دل جانبازان راه مزدا می فروزد،
و آنها را به انجام بهترین کردارها برمی انگیزد،
و من،
اکنون و همیشه و تنها در این راه می کوشم.

۵۱/۲

ای اهورامزدا،
 این کردارها را،
 نخست به تو و به راستی و به پارسایی نیاز
 می‌کنم،
 و تو،
 شهریاری دلخواه خود را به من بنما
 و در پرتو اندیشهٔ نیک،
 پرستنده‌ات را رستگاری بخش.

۵۱/۳

ای اهورامزدا،
 کسانی‌که
 با کردارشان و با هم به تو پیوسته‌اند،
 گوش به سخنان تو دارند،
 که تو،
 با گفتار راست و با آموزش اندیشهٔ نیک،
 نخستین آموزگار آنهایی.

۵۱/۴

ای مزدا،
کجاست مهر سرشار تو به پرستندگان؟
کجا بخشایش تو روان است؟
کجا راستی را به دست توان آورد؟
کجاست پارسایی پاک؟
و کجاست بهترین اندیشه‌ها؟
و کجاست شهریاری تو؟

۵۱/۵

ای مزدا،
همهٔ اینها را می‌پرسم:
چگونه رهبری که،
درست‌کردار و فروتن،
و دارای خرد نیک،
و دادگر و آموزگار راستی،
و توانا و بخشایشگر است،
می‌تواند جهان را
به پیشرفت و آبادانی برساند؟

۵۱/۶

اهورامزدا،
 با شهریاری خویش،
 به کسی که خواست او را برآورده سازد،
 بهتر از به می دهد،
 و به کسی که او را خشنود نسازد،
 و برای آبادانی و پیشرفت جهان نکوشد،
 در انجام و پایان زندگی،
 بدتر از بد می رساند.

۵۱/۷

ای مزدا،
 ای که این زمین و آب و گیاه را آفریدی،
 با پاکترین خرد خود،
 رسایی و جاودانگی را به من بخشای،
 و در پرتو اندیشه نیک،
 توش و توان تنی و روانی و پایداری
 و زندگی تازه را به من ارزانی دار،
 و از آموزشهای خود برخوردار کن.

→ جاودانگی

۵۱/۸

ای مزدا،
اینک،
پیام تو را به مردم دانا بازمی‌گویم
سرنوشت بد از آن دُروندان است،
و خوشبختی برای کسی است که
پایبند راستی است.
و بی‌گمان،
شادمانی از آن اوست که
این پیام اندیشه‌انگیز را
برای دانایان بگستراند.

۵۱/۹

ای مزدا،
تو از راه آتش فروزان و آزمون‌گدازان،
هر دو گروه راست‌کردار و دُروند را
می‌آزمایی و پاداش می‌دهی،
و این آیین زندگی را می‌نمایانی که
رنج برای دُروند،
و سود و شادمانی از آن راست‌کردار است.

۵۱/۱۰

ای مزدا،
 کسی که جز این آیین،
 در راه تباهی جهان می‌کوشد،
 زاده و آفریده دروغ است،
 و از کسانی است که کثر می‌اندیشند و نادانند.
 من راستی را
 برای خود و یارانم فرامی‌خوانم،
 تا به سوی ما آید و ما را به پاداش نیک برساند.

۵۱/۱۱

ای مزدا،
 دوست زرتشت اسپتتمان کیست؟
 آن‌کس که
 با راستی در پرسش و در گفت‌وگوست
 و روی به پارسایی دارد،
 و با راستی و اندیشه نیک و پارسایی،
 هواخواه انجمن برادری مغان است.

۵۱/۱۲

فریب خوردگان راه کاوی،
در دوران زندگی خویش،
زرتشت اسپتتمان را خشنود نمی سازند،
زیرا آنان،
کامیابی را تنها در کنش مادی می جویند،
و نه در شور و جوشهای مینویی.

۵۱/۱۳

بدین سان،
دُرُوند، که با سرپیچی از راه راستی
یابش خود را به تباهی کشانده است،
در گذرگاه داوری،
و در برابر آشکار شدن کردارش،
گرفتار سرزنش روان می گردد.
زیرا او با کردار و گفتار خود،
از راه راست دوری جسته است.

۵۱/۱۴

کرین‌ها،
هیچ‌گاه از داد و آیین و آبادسازی

پیروی نمی‌کنند،
 آنان با آموزشها و کردارهای خود،
 به آبادسازان جهان تباهی می‌آورند.
 اما،
 همین آموزشها و کردارهاست.
 که سرانجام
 آنان را به سرای دروغ خواهد کشانید.

۵۱/۱۵

پاداشی که زرتشت
 به انجمن مغان نوید داده است،
 سرای سروده است،
 که از آغاز،
 جای رسیدن به اهورامزدا بوده است.
 من این پاداش را،
 که در پرتو اندیشه نیک و راستی
 به دست می‌آید،
 به شما مژده می‌دهم.

۵۱/۱۶

کی‌گشتاسب،
 در پرتو نیروی انجمن مغان

و سروده‌های برخاسته از اندیشه پاک،
و با پیروی از راستی،
به پاداش دانش درونی رسید.
دانشی که با آن،
اهورامزدا،
ما را به خوشبختی راه می‌نماید.

۵۱/۱۷

فرشستر هوگو،
گوهر هستی والای خویش را،
با دل‌باختگی و برای دین بهی
به من سپرده است،
باشد که
اهورامزدا، آرزوی او را
برای دست یافتن به راستی، برآورده سازد.

۵۱/۱۸

جاماست هوگوی دانا،
که خواستار روشنایی است،
در پرتو راستی آن دانش را برگزید،
و با اندیشه نیک،
به توانایی مینویی دست یافت.

ای اهورامزدا، این دانش را
به همه آنهایی که به تو دل بسته و پناهنده‌اند
بیخشای.

۵۱/۱۹

مدیوماه^{*} اسپنتمان،
که با دانش دین،
در راه زندگی مینویی کوشاست،
خود را به من سپرده است.
او با آموختن آیین مزدا و با کردارش،
در راه بهسازی جهان کوشاست.

۵۱/۲۰

اینک،
ای امشاسپندان،
همه همگام،
راستی و اندیشه نیک را،
که از آموزش پارسایی به دست آید،
به ما بیخشایید،
شما را می ستاییم و از اهورامزدا
خواهان خوشبختی هستیم.

۵۱/۲۱

مرد پارسا،
با دانش و گفتار و کردار و یابش خود
راستی را می‌افزاید.
اهورامزدا به چنین کسی،
در پرتو اندیشه نیک،
توانایی مینویی می‌بخشد.
من نیز برای او پاداش نیک می‌خواهم.

۵۱/۲۲

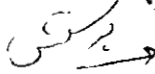
اهورامزدا،
کسانی را که از روی راستی،
بهترین پرستشها را به جا می‌آورند،
چه در گذشته بوده باشند
و چه اینک باشند، می‌شناسد.
من این کسان را می‌ستایم،
و به نام یاد می‌کنم،
و با درود به سوی آنها می‌روم.

سروده هفدهم

۵۳/۱

بهترین خواستهای زرتشت اسپنتمان
برآورده شده است،
زیرا اهورامزدا،
در پرتو راستی برای همیشه،
به وی زندگی نیک بخشیده است.
و آنانکه
با او دشمنی می ورزیدند،
اکنون گفتار و کردار دین بهی را آموخته اند.

۵۳/۲

و این چنین
 با اندیشه و گفتار و کردار،
 مژده را بگیری  و برای خشنودی او بکوشید،
 و کار نیک را برگزینید.
 کی گشتاسب هواخواه زرتشت
 و فرسوتر با اندیشه،
 راه راست و دینی را
 برگزیده‌اند
 که اهورا به سوشیانس آشکار کرده است.

۵۳/۳

ای پوروچیستای* اسپنتمان هیچدسپان،
 ای جوانترین دختر زرتشت،
 اهورامزدا،
 آن‌کس را که به اندیشه نیک
 و به پاکی و راستی پایند است،
 به همسری به تو می‌دهد.
 پس با خرد خود هم‌پرسی کن،
 و با پارسایی و با دانش نیک رفتار کن.

۵۳/۴

بی‌گمان،
من کسی را که برای همکاران و خانواده،
پدر و سرور گمارده شده است،
برخواهم گزید و دوست خواهم داشت.
باشد که
روشنایی اندیشه نیک به من برسد،
و زنی پارسا و پاکدامن در میان پاکان باشم.
و اهورامزدا،
برای همیشه دین بهی را به من ارزانی دارد.

۵۳/۵

این سخنان را به شما می‌گویم
ای نو اروسان* و ای تازه دامادان،
پندم را با اندیشه بشنوید و به یاد بسپرید،
و با یابش خود دریابید و به کار بندید:
پیوسته زندگی با اندیشه نیک کنید،
و هریک از شما در راستی
از دیگری پیشی گیرید،
تا از زندگی و خانمان خوب برخوردار گردید.

۵۳/۶

ای مردان و ای زنان،
 این بدرستی بدانید که
 در این جهان، دروغ فریبنده است،
 از آن بگسلید و آن را مگسترانید.
 و این بدانید که
 آن خوشی که از تباهی و تیرگی راستی به
 دست آید،
 مایهٔ اندوه است.
 و دُروندانی که راستی را تباہ می‌سازند،
 زندگی مینویی خویشتن را نابود می‌کنند.

۵۳/۷

و پاداش انجمن مغان
 تا روزی برای شما خواهد بود که
 در زندگی زناشویی خود،
 چه در تنگی و چه در فراخی،
 با هم بجوشید و به هم مهربان باشید.
 اما اگر اندیشهٔ دروغ بر شما چیره گردد
 و آیین انجمن مغان را رها کنید،
 با پیامد آه و افسوس روبه‌رو می‌گردید.

۵۳/۸

و سرانجام و بروشنی،
بدکاران،
فریب می خورند و ریشخند می شوند و
سرزنش می بینند.
اما، در پرتو شهریاری و رهبری نیک،
زنان و مردان
در خانه‌ها و شهرها به آشتی و رامش می‌رسند.
و تبهکاریها و فریبه‌ای به هم بسته مرگبار
برمی‌افتد.
و اهورامزدا، که بزرگتر از همه است،
به ما روی می‌کند.

۵۳/۹

کژاندیشان بدکار،
که بنده هوسند و از راستی روگردانند،
از پاکان بیزارند و ارجمندان را خوار می‌دارند،
هرچند که با خود نیز در کشمکش و ستیزند.
کیست آن سرور پارسایی که
با دل و جان و آنچه‌ان که خود می‌خواهد،
با چنین بدکارانی بستیزد؟
ای مزدا،

نخستین واژه بند یکم هر هات گرفته شده. نامهای پنج بخش گاتها چنین است: اَهَنوَد گات (سروده‌های ۷-۱)، اُشَتوَد گات (سروده‌های ۱۱-۸)، سِپَتَمَد گات (سروده‌های ۱۵-۱۲) و هُوخَشَتَر گات (سروده ۱۶)، و هِشَتوِاشَت گات (سروده ۱۷).

آهنگ گاتها

گاتها به آهنگ ویژه و بس دلنشینی سروده شده است که خوشبختانه امروزه پس از گذشت نزدیک به چهارهزار سال همان‌گونه که در آن زمان سروده می‌شده به جا مانده است. برای شناختن آهنگ گاتها و چگونگی پیدا شدن آن آنچه را که در دو دفتر گرانمایه: پیوند شعر و موسیقی و منوچهری دامغانی و موسیقی در این باره نوشته شده است آورده می‌شود:

«...اما نکته در خور اعتنا، کلمه "گاتار" است که هنوز هم نام لحن یا نوایی است محلی که در کردستان ایران خوانده می‌شود و جنبه نیایش دارد.

نام این نواز دوپاره، یعنی «گات» و «تار» (سازنده صفت فاعلی، مانند خواستار - دوستار) ترکیب شده است، و به زبان کردی «خواننده گات» معنا می‌دهد. شاید بتوان گوشه «قطار» را که هم‌اکنون در مایه بیات ترک خوانده و نواخته می‌شود معرب «گاتار» دانست و پرده‌های سازنده لحن آن را از دایره‌های بسیار قدیمی موسیقی ایرانی به شمار آورد.

وجود وزن در گاتھا مؤید سروده بودن آنهاست. وسترگارد^۱ مجاهدت قابل ملاحظه‌ای برای یافتن وزن اصلی گاتھای ۲۸-۳۴-۴۲-۵۰-۵۲ از یسنا کرده است.

وستفال^۲ و هرمان تورپل^۳ نیز کوششهای پربهایی برای یافتن وزن یشتهای ۹-۵-۱۰-۱۳-۲۲ مبذول کرده‌اند.^۴

پیش از آنکه چند نمونه از این سروده‌ها ارائه شود رواست با اندکی از کوششهای این دانشمند در باب چگونگی دست یافتن به سروده‌های اصیل زرتشتی آشنا شویم.

جان درپیر که هم‌اکنون استاد دانشگاه ویرجینیای امریکاست، بیست و چند سال کوشید تا سرانجام به منبع اصلی و دست‌نخورده سروده‌های زرتشتی دست یافت.

به قراری که مسئولان انجمن فرهنگ ایران باستان و انجمن زرتشتیان ایران به نگارنده این سطور اظهار کرده‌اند، آقای درپیر چند سال پیش به ایران مسافرت کرده و شاهد برگزاری آیین مذهبی زرتشتیان دیار ما بوده و آهنگ برخی از سروده‌های زرتشتی را شنیده و سپس به هندوستان مسافرت کرده است.

درپیر بنا به دعوت دکتر کارخانه‌والا که یک فیزیکدان اتمی و هم از پیشوایان زرتشتیان هند است به هندوستان سفر می‌کند و به بیشتر آتشکده‌های آن سامان می‌رود و به سروده‌های زرتشتی گوش

1. Westergard.

2. Westphal.

3. Herman Torpel.

۴. آقای هوشنگ اعلم در شماره‌های ۹۲ و ۹۳ مجله موسیقی سال ۱۳۴۳ خورشیدی و شماره ۹۴ همان سال تحت عنوان «سروده زرتشتی ترتیل صدر مسیحیت» مقاله آقای جان درپیر را ترجمه کرده است. دو نمونه از سروده‌های زرتشت که در این کتاب آمده از همان مقاله نقل شده است.

فرامی دهد، اما هیچیک را بی نصیب از گزند نواهای مجعول اعصار
گوناگون نمی بیند.

دریبر سرخورده و مأیوس قصد مراجعت به کشورش را دارد که
می شنود در روستای دورافتاده‌ای به نام اودوادا^۱ آتشکده‌ای وجود دارد.
بر آن می‌شود تا بدان روستا برود؛ دوستش او را از دشواری راه آگاه
می‌سازد. اما دریبر به آن دشواریها و مرارتها نمی‌اندیشد و آماده حرکت
می‌شود... پس از چند شبانه‌روز راهپیمایی با اسب و قاطر سرانجام به آن
دهکده و آن آتشکده می‌رسد. اینجا است که وقتی آن پژوهشگر شیدا
نواهای سروده‌های زرتشتی را می‌شنود، احساس می‌کند که به چندین هزار
سال پیش بازگشته است.

به هر تقدیر، بنا به تقاضای وی از این سروده‌ها نوارهایی تهیه
می‌شود. دریبر به محض رسیدن به دیار خویشتن از پرفسور انگلیش^۲ و
پرفسور وود^۳ دو تن از استادان کنسرواتورهای ویرجینیا دعوت می‌کند تا
نوارها را بشنوند و ابراز نظر کنند... استادان نامبرده پس از استماع مکرر
نوارها چنین اظهار نظر می‌کنند:

«بیشتر سروده‌ها به صورت تک‌خوانی است و با سازی همراه نیست.
روی هم رفته مبتنی بر یک نمونه ساختمان هنجایی ساده است، یعنی یک
صدا (نوت) در ازای یک هجا (سیلاب) ولی طول یا کشش صداها و کمیت
مصوتها در متن غالباً یکسان نیست... دانگ نغمه‌ها بسیار محدود است^۴،

1. Udvarda.

2. English.

3. Wood.

۴. در قدیم یک ذوالاربع را یک دانگ می‌گفتند. از نظر موسیقی یک گام یا سه فول
انگلیسی‌ها یک Scale از هشت نوت تشکیل می‌شود. اگر یک گام را به دو قسمت
تقسیم کنیم هر قسمت را یک دانگ می‌گویند که هر دانگ شامل چهار نوت خواهد
بود.

ولی بیشتر در مقامهای بزرگ (مدماژور) ساخته شده‌اند. نوع صدا از لحاظ درجه‌بندی اصوات، صدای تنور^۱ است. در سراسر سروده آخر جملات موسیقی تکرار می‌شود.»

پژوهندگان و دانشمندان علوم اجتماعی بر این عقیده‌اند که آهنگهای سروده‌های زرتشت که هم‌اکنون در روستاهای اودوادای هندوستان خوانده می‌شود، از بسیاری جهات متکی به همان سروده‌های اعصار بسیار دور است.

پرفسور درپر می‌نویسد:

«از آنجا که پیشینه آداب و رسوم مذهبی پارسی لااقل به دوره ساسانی می‌رسد و بخش بزرگی از آن مانده از زمانهای قدیمتر است می‌توان استنباط کرد سبکهای موسیقی گاتھا و یشتها نیز به همان قدمت است... می‌گویند در طی سه هزار سال گذشته ترتیلهای (یعنی قواعد آوازی) و داهای هندی اندکی تغییر بیش نکرده است. بنابراین سروده‌هایی که امروز در آتشکده‌های مشرق‌زمین خوانده می‌شود، ممکن است یک سبک موسیقی به قدمت ترتیل ودایی باشد که احتمالاً امروز قدیمترین موسیقی جهان به شمار می‌آید.»

اکنون موقع آن رسیده است که یک نمونه از سروده‌های زرتشت یعنی یسنای ۴۷ که نخستین گات از گاتهای سپنتامائنیو است، بیاوریم.^۲

1. Tenor.

۲. کتاب پیوند موسیقی و شعر و کتاب منوچهری دامغانی و موسیقی نوشته زنده‌یاد حسینعلی ملاح.



سپنتامینیوگاتا
 سروده دوازدهم
 سپنتا مینیو

۱. سپنتا مینیو وهیشتاچا مننگها
 هچا اشات شیئو نناچا وچنگهاچا
 اهمائی دان هئوروتا امیرتاتا
 مزداؤ خششرا آر مینی آهورو.

زبان گاتها

گاتها، به زبان اوستایی سروده شده است. زبان اوستایی از خانوادهٔ زبانهای آریایی (هند و اروپایی) و ریشهٔ فارسی کنونی است. میان واژه‌های زبان اوستایی با دیگر زبانهای آریایی همانندیهای بسیاری است که در زیر، نمونه‌ای از این همانندی در سنجش با زبان انگلیسی آورده می‌شود و یادآور می‌گردد که در اینجا تنها نمونه‌هایی آورده شده که اگر می‌خواستیم همهٔ واژه‌های زبان اوستایی را با زبانهای اروپایی از دیدگاه همانندی و ریشه‌یابی بسنجیم خود دفتر بزرگی می‌شد. این کار زبان‌شناسی و استادان زبان‌شناس است که در این باره پژوهش کنند و نوشتارها و دفترهای بسیار بنویسند.

انگلیسی	اوستایی	فارسی
Aback	آپس	واپس
Above	آی وی	آبر
Age	آیو	زمان
Agrarian	آرژ	زمین - کشت
Air	وایو	هوا
Another	آنئی	دیگری
Arm	آزم	بازو
Band	بند	بند
Base	بونویی	بن
Be	بو	بودن
Beam	بانو(کدبانو: فروغ خانه)	پرتو
Bear	بَر	بر(میوه)
Bear	بَر	زاییدن (بر)
Beaver	بوز	سگ آبی
Become	هنگام(درخور بودن برای آمدن) هَن گم	
Best	وهیشتا	بهشت - بهترین
Bottom	بون	بن
Bridge	پرتو	پل
Bring	برایتی - بَر	بردن
Brother	براتر	برادر
Brow	بروت	ابرو

Cave	گَفَى	غار
Century	سَتَّ يَارِ	سده
Cessation	سِنَائِي	ایست
Choose	چِي	برگزیدن
Come	گَم	آمدن
Commit	کَر	کردن
Corps	کِهَرِيْم	تن - کالبد
Cow	گائو	گاو
Crab	کِهَرِپو	خرچنگ
Create	کَز	آفریدن
Cultivation	کِرَشِي	کِشت
Cut	کَز - کِرِيْت	بریدن - کرت - کارد
Dale	دَرَن	دره
Dare	دَرَس	دلیر
Daughter	دوگُدا	دختر
Dawn	دروشنایی بخشیدن	دیو
Day	دو	روز(روشن)
Deceit	دروختی - دروج	فریب - دروغکاری
Demon	دَيُو	دیو
Devil	دَيُو	دیو - اهریمن
Devote	دا	سپردن
Devout	دَهَم	دهمان - پارسا
Dexter	دَشِي نَ	راست

Dime	تَم (در واژه تم آرزو)	تم - تار
Dire	دَرِشِی ای تی	ترسناک
Direct	دیس	سراسر
Diverse	دِوای تی	چند
Domicile	دِماتِهیَا	خانه - مان
Domestic	دامی	دام (در برابر دَد)
Donate	دا	بخشیدن
Door	دِوَر	در
Doughtily	دِوَاتَا	دلیرانه
Dozen	دَسَن	دوجین
Drag	دِرِش	بزور کشیدن
Dream	دِآی	خواب دیدن
Dual	دِو	دوتایی
Dupe	دَو - دَب (واژه دبه در آوردن)	گول
Duration	دِرَا جَنگَه	درنگ
Dwarf	دِرَو	کوتوله
East	اوشا	خاور
Eat	اَد	خوردن
Eight	اَشَت	هشت
Else	انِی	دیگری
End	اَنَت	پایان
Enter	اَنتر	اندر
Establish	اَوَس تِی	ایستادن - بر پا کردن

Ex	اوس	پيشوند به معنای پيشتر
Excavation	اَوَكَنْت	پی کنی - گودال برداری
Except	اپا	مگر
Exist	آه	هستن
Existence	آستی	هستی
Expel	فَرَّيْر	فرو بردن - بیرون کردن
Exter	اوس	بیرون
Father	پيتر	پدر
For	پرو	برای
Fore	فِرَ	پیش
Forth	فِرَ	پیشین
Forward	فِرا	پیش - پیشین
Four	چَتر	چهار
Fresh	فِرشن	تازه
Frog	وَزَغ	وزغ
Full	پَر	پر
Gait	گَای تی	گام
Gap	گَف ی	رخنه
Gnaw	غنوج	خرد خرد جویدن
Go	جَم - گَم - گَاجَن	رفتن
Gorge	گَز	دره تنگ
Grapple	گِرَو	چنگک

Knee	زَنُو	زانو
Liver	يَاكِرَ	جگر
Magus	مَغ	مغ
Major	مَزُوْبِي	مه (بزرگ)
Man	مَرَت	مرد
Market	مَرغَا	بازار
Mass	مَسَنگَهه	توده
Matron	مادر	بانو- زن شوهردار
Meal	مَيَزُو	آرد
Mean	مَن	معنی دادن
Measure	ما - مر	مَر - اندازه
Medial	مَيِّذَ	میانی
Meditate	مَن	منیدن - اندیشیدن
Meditation	مَانزُدَر - مانتَر	مانتر - اندیشیدن
Meed	مَزِد	مزد - پاداش
Memory	مَرِمَن	یاد
Mental	مَ اِن یو	اندیشه‌ای
Mentor	مَ نوَتَر	رایزن خردمند
Mercy	مَرزْدِي كَ	بخشش
Mete	ما	کردن - اندازه گرفتن
Mid	مَ ايرِي	میانی
Mind	مَن - مَننگَهه	اندیشه - من

Mix	میاس	آمیختن
Month	ماونگهه	ماه
Moon	ماونگهه	ماه
Mortal	مَرِت	مردنی
Mother	ماتر	مادر
Mouse	موش	موش
Move	مو	جنبش
Much	مَس	بسیار
Murder	مَرِت	کشتن
Murdere	مَ ایری	آدمکش
Muse	مَن	اندیشه کردن
Name	نامَن	نام
Nature	نی زات	ذاتی
Nature	یزاد	تیزاد (طبیعت)
Naval	ناوَو	ناو
Navel	نیا	ناف
Neither	نُ ایر	نه
Never	ن ایت	هرگز
New	نَو	نو
Night	نَت تو - خَشَف	شب
Nine	نَوَن	نه
Non	اَن	پیشوند... (پیشوند نفی)
Nose		بینی - نُس (واژه خراسانی) ناونگهن

Not	نوایت	نه
Now	نَو	اکنون
One	آو	یک
Osseaus	آسَت	استخوان - استخوانی
Other	آنِی	دیگر
Out	اوس - اوز	بیرون
Over	اوئپیری	بالا
Pass	پَز	گذر
Pastor	واستر	شبان
Pasture	واستر	چراگاه
Path	پَث	جاده - راه
Per	پ آیری	با
Piety	پِوِرتی	پارسایی
Plough	فرو	شخم زدن
Post	پَسَت	پس
Prime	پثوری	نخستین
Primitive	پثوری	پیشین
Prior	فَوَتر	فراتر
Pro	فرا	برای
Promote	فراز	بالا بردن
Putrify	پو	گندیدگی

Range	رَسْمَن	راسته
Rank	رَسْمَن	آراستن
Rank	راز	رده - ردیف
Ray	رَی	پرتو
Regulate	راز	درمست کردن
Regulation	رازنگهه	دستور
Rob	روپ	ربودن
Same	هَن	هم
Save	سو	رهانیدن
Saviour	سوشیانس	رهاننده
Seven	هپ ت	هفت
Shine	شِشْت	شید
Sit	هَد	نشستن
Stand	ستا	ایستادن
Star	سِتر	ستاره
Stop	سِتا	ایست
Strap	سِ مِ ایت را	تسمه
Strew	سِتر	پاشیدن - افشاندن
Strew	سِتر	گسترده (بستر)
Summit	ساز	ستیغ
Super	اوپیری	آبر
Teach	دیس	آموختن

Tear	دِر	پاره کردن - دریدن
Ten	دَس	ده
Terror	تَرِشْتی	ترس بسیار
That	پَت	آن
Thee	توا	تورا
Theft	تای	دزدی
Thirst	تِرِش نِ	تشنگی
This	آآت	این
Threat	دَرِش	ترساندن
Three	ثری	سه
Thrive	ترا	پیشرفت کردن
Thou	توم	تو
Tooth	دن تان	دندان
Trans	ترو	ترا - سراسر
Tray	تَشْت	سینی - تشت
Twelve	دَوْدَس	دوازده
Twenty	وِیْسَت	بیست
Twin	دَو	دوقلو
Two	دَو	دو
Vary	وَرز	گوناگون بودن
Vassal	وَأَس	بنده
Very	آای وی	بسیار
Vesture	وَسْتَر	جامه

Victor	وَنُتْر	پیروز
Victory	وِرِثِر	پیروزی
Virile	ویر	مردی
Voice	وَج	آوا
Vomit	وَم	ویمش (استفراغ)
Waft	وز	وزش
Want	وَس	خواستن
Warm	گِرما	گرم
Wax	وَحْش	رویدن - افزایش یافتن
Way	آدوانو	راه
We	وَام	ما
Weather	وایو	هوا
Weave	وَف	بافتن
Wed	وَد (در واژه خانواده)	زناشویی
Weight	وَر	کشیدن - سنجیدن
Well	هووه	وه - به - خوب
Wife	وَتو	همسر
Will	وَس	خواستن
Willow	واتو	بید
Win	وَن	بردن
Wind	وات	باد
Wing	وَار	بال
Wish	ایش	خواهش - آرزو

Wit	وید	دانش - نوید (ن - وید)
With	مَت	با
Woe	وئی	غم
Woe	آوای	وای (دریغ)
Wolf	وهرگ	گرگ
Wool	وَرِنَا	پشم
Word	وِچ	واژه
Work	وَرَزُ	کار - ورز
Worm	کِرِم ما	کرم
Year	یاثیریه	سال
Yoke	یوج	یوغ
You	یوژم - توم - توم	شما
Youth	یون	جوانی

برخی نامها که در گاتها آمده است

* گشتاسب (یا ویشناسب) - یعنی دارنده اسبهای رموک، بخشی از شاهنامه زندگی گشتاسب و جنگ او با ارجاسب و زندگی پسرش، اسفندیار را در بر دارد.

پنجمین پادشاه کیانی است که زرتشت کیش خود را بدو نمود و گشتاسب بدان گروید و در راه گسترش آن کوشید.

* فرشوستر - (فرشوشترایی) - برادر جاماسب و وزیر کی گشتاسب، از خانواده هِوگو (Hvogva) است. دختر فرشوستر همسر زرتشت است. زرتشت دلبستگی بسیار به فرشوستر دارد و در گاتها او را می ستاید.

* انجمن مغان - هسته نخستین آیین زرتشت است که هموندان آن یاران نزدیک زرتشت بوده اند. انجمن مغان در راه گسترش آیین بهی می کوشیده است.

* جمشید پسر ویوتگهان - شاه بزرگ پیشدادی است که زندگی او در وندیداد و شاهنامه آمده است. جمشید از اهرمن فریب خورد و خویشتن‌بینی کرد و خود را پروردگار جهان خواند و با همین گفته فر از او بگسست. واژه جمشید در اوستا «ییم خَشْتَت» است که «ییم» به معنی «همزاد» است و «خَشْتَت» به معنای «شید و فروغ» است. ییم خَشْتَت یعنی «همزاد فروغ». شاید واژه جمشید یا همزاد فروغ، روزگاری از زندگی آرمانی و اندیشه‌ای مردم ایران را در بر می‌گیرد که مردم خورشیدپرست و مهرپرست بودند و خود و زمین را «همزاد خورشید» می‌دانستند.
* گوهما - از دشمنان سرسخت زرتشت است.

* کزین - پیشوایان دیوسنی، مهرپرست که با زرتشت دشمنی می‌کردند.

* کاوی‌ها - کی‌ها - فرمانروایان دشمن زرتشت، که برخی به آیین زرتشت گرویدند.

* هوم جاودانه: هوم جاودانه برگردان واژه «دورثوشم» است که معنی دوردارنده مرگ را می‌دهد که ویژگی ایزد «هوم» از دیدگاه دیوسنی‌هاست. هوم گیاهی بوده است که در روزگار دور دیوسنی‌ها آن را گرمی می‌داشته و شیره آن را می‌نوشیده‌اند و از آن یاری می‌جسته‌اند. در اوستا یشتی به نام «هوم یشت» ویژه ستایش هوم است. درباره این گیاه و ویژگیهای آن نوشته زیر آورده می‌شود:

هوم یا سوم (SUM=HUM)

نام علمی EPHEDRA، از این‌گونه گیاه در بسیاری از نقاط ایران که هوای خشک دارد چند درختچه و بوته دیده می‌شود - آنچه تاکنون بررسی شده

چنین است:

۱. **EPHEDRA CILIATA** در خراسان و بلوچستان (خاش، ایرانشهر، چاه‌بهار) و فارس (تخت جمشید، کازرون، نیریز) بندرعباس و خوزستان (برازجان، کمارج، کنارتخته) کوههای مابین قزوین و لنگرود دیده می‌شود. گل زیاد ندارد و ساقه‌های آن باریک و درهم است. نام کلی آن ریش بز (skrubby horse tail) و در بعضی نقاط علی جون و علی جونک و بیشتر ارمک نامیده می‌شود، در تنگ ملاوی و کهگیلویه نیز دیده شده است.

۲. **EPH.GERARDTANA** در دره هراز در ۱۳۰۰ متر ارتفاع دیده شده و به نام ارمک است.

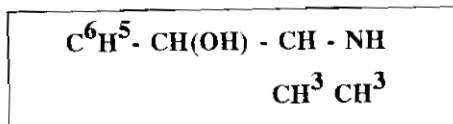
۳. **EPH.INTERMEDIA** بوته‌های کوتاه دارد در اطراف نیریز و تخت جمشید و بلوچستان و خراسان در کوه بی‌بی شهربانو و کرج بسیار است و ریش بز نامیده می‌شود - در هزارمسجد و چناران و دامغان و شهمیرزاد و رامین و یزد خواست دیده شده. میوه‌های سرخ‌رنگ بسیار می‌دهد.

۴. **EPH.PACHYCLADA** در سروستان و راه شیراز به کازرون و دشت ارژن و راه قم و دلیجان و کلاک کرج تا ۲۰۰۰ متر ارتفاع می‌روید و به آن ریش بز می‌گویند.

۵. **EPH.PROCERA** درختچه‌ای است سبزرنگ متمایل به آبی که در ارتفاعات البرز و آذربایجان و همدان و اراک و قوچان بسیار است و بیشتر آن را به نام ارمک می‌شناسند. نام آلته و آلدھم به آن می‌دهند.

۶. **EPH.STROBILATA** در اصفهان و شیراز و یزد و کرمان و سبزوار و نیشابور و کوههای جنوب شرقی تهران یافت می‌شود و آن را ارمک و ریش بزی می‌گویند.

در گونه چهارم و بخصوص پنجم EPHEDRA PROCERA ماده‌ای از گروه الکل‌نویدها یافت می‌شود که به نام EPHEDRINE نامیده می‌شود و فرمول شیمیایی آن $C^{10}H^{15}NO$ و فرمول گسترده آن چنین است:



این ماده شیمیایی دارای خواص دارویی متعدد و بخصوص مدر و تسکین‌دهنده قلب و آرام‌بخش کلی است که در بسیاری از ترکیبات دارویی جدید به کار می‌رود.

سوزاندن شاخه‌های اُرمک که به گمان بسیار همان هوم یا هوما یا سوم زرتشتیان است و دود دادن با آن به طریقی که از آن یاد شده گندزدا و آرام‌بخش کلی است.

یادآوری - گیاه دیگری از گروه نهانزادان CRYPTOGRAM را نیز به نام ریش بز و دم اسب می‌شناسیم که به انگلیسی آن را HORSE-TAIL و به فرانسه PRELE و به لاتینی EQUISSETUM (دم اسب) می‌گویند و با گیاهان بالا هیچ ارتباط ندارد و دارای خواص فوق نیست.^۱

* اوسیش و اوسیج - از پیشوایان دیوسنی و دشمن زرتشت بوده‌اند.
* فریان تورانی - تورانیان از تیره‌های ایرانی بودند که برخی به زرتشت گرویدند و برخی با زرتشت دشمنی کردند. فریان به آیین زرتشت پیوست.

* هیجدسب - هَهَ إِچَثْ اَسپا - پنجمین کس از پشت اسپنتمان و نیای

۱. یادداشتهای روانشاد استاد دکتر حسین گل گلاب.

بزرگ اشو زرتشت.

* جاماسب - دانای فرزانه و زیرکی گشتاسب.

* بندو - از دشمنان زرتشت.

* میدیوماه - مئیدیوی - ماونگها - میدیوماه پسرعموی زرتشت از خاندان اسپتمان. میدیوماه نخستین کسی بود که آیین زرتشت را پذیرفت.
* پوروچیستا - به معنی «پردانش» جوانترین دختر زرتشت و همسر جاماسب.

معنی چند واژه:

یانش - نخستین سروده «گاتها» با واژه «یان» آغاز می شود. «یانیم منو، یانیم وچو، یانیم شیئوئیم آشونو زرتوشستره» «اندیشه و گفتار و کردار زرتشت پاک یان اهوراست». یان به معنی «لطف» و «لطف خدا» است. چون در فارسی دری واژه‌ای که بدرستی معنی «یان» را برساند نداریم، همان واژه را به کار بردیم.

دروند - واژه اوستایی «دُرگونت»، در پهلوی «درونت» و «دروند» شده است که معنی پیرو دروغ، گمراه از راه راستی و پاکی، زیان‌رسان، نادرست و تبه‌کار و ویرانگر و نابکار می دهد.

یادآور می شود که در اوستا واژه «دروغ» که پادیار (ضد) آس (راستی) است تنها معنی ناراستی را نمی دهد، و دارای معنای بسیار گسترده‌ای است که همه بدیها را در بر می گیرد. ناراستی، ناپاکی، زیان، نادرستی، تباهکاری، ویرانگری و نابکاری.

کژاندیشان - واژه کژاندیش برابر واژه «دیویسنی» آمده است. واژه «دیو» یا «دئو» از واژه «دو» به معنای روشنایی گرفته شده است که در نوشته‌های

اوستایی معنی خدای روشنایی را می‌دهد. خدای خورشیدپرستان و مهرپرستان پیش از زرتشت. «دیویسنی» یعنی پرستنده دیو، یا پرستنده خدای روشنایی، خورشید و مهر. دزگاتها دیویسنی‌ها و آیین و رفتار آنها نکوهش می‌شود. در زبان فارسی دیو معنی «مردم بد» را پیدا می‌کند. «تو مرد دیو را مردم بد شناس» با نگاه به این معنی است که در برگردان گاتها برای واژه «دیویسنی» «کژاندیش» آورده شده است. در چند بند که می‌باید «دیوان» و «دیویسنی» آورده شود این واژه به همین‌گونه آورده شده است.

جاودانه‌های پاک - جاودانه‌های پاک برگردان واژه «امشاسپنتا» است.

امشاسپندان شش بر بست (قانون) فرمانروا بر هستی و روان آدمی است. نام امشاسپندان و معنی آن چنین است:

بهمن (خرد هستی، اندیشه نیک)، اردیبهشت (هنجار هستی و راستی و پاکی بهترین)، شهریور (هماهنگی در هستی، چیرگی بر خود، خویشنداری، توانایی مینویی، شهریاری نیکویی)، مهر (هنجش «جاذبه» در هستی، مهر و فروتنی نیک‌انجام، پارسایی، وارستگی)، خرداد (بالتدگی، شکوفایی، خرمی)، امرداد (جاودانگی)؛ برای آگاهی از درونمایه فرزانی و روانی امشاسپندان دفترهای «دین پایه زرتشتی» و «پایه‌های آرمان پارسایی» را بخوانید.

یایش - واژه «یایش» برگردان واژه «دئنا» است. واژه «دئنا» که در فارسی «دین» شده است. معنی دریافت درونی و بینش و وجدان می‌دهد.

خویشاوندان و همکاران و یاوران - یاران زرتشت از دیدگاه نزدیکی به او به سه دسته پخش می‌شدند. خویشاوندان و همکاران و یاران. زیایش - استغاثه.

وافته و ناوافته - سخن منظوم و منثور.

ویدایی - عرفانی.

اروس - وازه عروس فارسی است. فراگفت دیگر آن، آریس است که در
گوش مردمان باختر ایران به کار می رود.

فهرست منابع (بن نوشت)

۱. گاتها سرودهای زرتشت، ترجمه پرفسور عباس شوشتری، بی‌نا، ۱۳۵۴.
۲. فره‌وشی، دکتر بهرام. فرهنگ فارسی - پهلوی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.
۳. ستوت یسن، ترجمه دکتر علی‌اکبر جعفری، سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۵۹.
۴. گاتها، ترجمه استاد پورداود، بمبئی، ۱۳۰۵.
۵. یادداشتهای گاتها، ترجمه استاد پورداود، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.
۶. گاتها سرودهای زرتشت، ترجمه فیروز آذرگشسب، سازمان فروهر، ۱۳۵۱.
۷. سرود بنیادین دین زرتشت، ترجمه دکتر محمد مقدم، انتشارات انجمن

ایرانویج (ایران کوده، شماره ۱۲) ۱۳۲۹.

The Divine Songs of Zarathushtra, I.J.S. Taraporwala.

Avesta, The Religious Books of the Parsees, From Professor Spigel's German Translation of the Original Manuscripts, by Arthur Henry Bleek-Hertford, 1864.

A Dictionary Avesta, Gujarati and English Language, by Kavasji Edalji Kanga.

English-Avesta Dictionary, by Kavasji Edalji Kanga.
Bombay, 1909.

Gatha

Die himmlischen Gesänge

zarathustras

übersetzt

aus dem avestischen (altiranischen) ins Iranische:

H.vahidi

übersetzt aus dem Iranischen ins Deutsche:

A.Madiderey

Iranische Kalligraphie:

M.Mirzai